



□ معنا - زندگی □

معنای زندگی

آلین دو باتین

(مدرسہ زندگی)

محمد کریمی

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	بخش اول: سرچشمه‌های معنا
۱۳	۱. عشق
۲۱	۲. خانواده
۳۳	۳. شغل
۴۹	۴. دوستی
۶۱	۵. فرهنگ
۸۵	۶. سیاست
۸۹	۷. طبیعت
۹۹	۸. فلسفه
۱۰۳	بخش دوم: موانع معنا
۱۰۵	۱. خودفهمی مبهم
۱۰۷	۲. دید بسته
۱۱۱	۳. از خودگذشتگی
۱۱۵	۴. جاودانگی
۱۱۷	۵. هنر قصه‌گویی
۱۲۳	نمایه

عشق

مراقبت

یکی از روش‌های رسیدن به درکی در این باره که چرا عشق اغلب چنان نزدیک به معنای زندگی لحاظ می‌شود، این است که به چالش‌های تنهایی نگاه کنیم. اغلب، موضوع تنهایی را ناگفته رها می‌کنیم: آن‌ها که کسی را برای درآغوش کشیدن ندارند احساس شرم و آن‌ها که با کسی هستند، ممکن است احساس گناه کنند. اما دردهای تنهایی، دردهایی بی‌آزار و جهان‌شمول هستند. نباید احساس کنیم تنها هستیم. تنهایی، بی‌آنکه بدانیم روشن‌ترین بصیرت‌ها را درباره اهمیت بالای عشق در اختیار ما قرار می‌دهد. تعداد کارشناسان برجسته که درباره اهمیت عشق صاحب‌نظر باشند، نسبت به افراد تنها کمتر است. اگر در مسیر زندگی، بخشی

۱. منظور نویسنده از افراد تنها به این معناست که کمتر کسی در این جهان پیدا می‌شود که کسی را برای دوست داشتن نداشته باشد.

از راه را ناخواسته و به تلخی در تنهایی طی نکرده باشیم، به دشواری می‌توانیم هیاهوی عشق را به‌طور کامل درک کنیم. در مواقع تنهایی ممکن است دیگران با ما مهربان باشند، ممکن است دعوت‌ها و اشاراتی محبت‌آمیز از سوی آن‌ها دریافت کنیم، اما دشوار بتوان حس سنگین مشروط‌بودن علاقه و توجه عرضه‌شدهٔ آن را نادیده گرفت. دسترسی‌چندانی به اطرافیانِ نزدیک نداریم و حتی نسبت به آن‌ها خواسته‌های محدودی داریم. وقتی می‌خواهیم تماسی با آن‌ها داشته باشیم یا بسیار دیر است یا بسیار زود. ممکن است در لحظات بسیار دلسردکنندهٔ زندگی گمان کنیم که بدون توجه و اهمیت شخصی می‌توانیم از زمین ناپدید شویم. در یک مصاحبت معمولی، نمی‌توانیم هر آنچه را از ذهن ما می‌گذرد با دوستان در میان بگذاریم؛ چراکه تک‌گویی درونی بسیار زیاد ما بیش از اندازه پیش‌پافتاده، آمیخته با هیجانات تند، اتفاقی یا پراضطراب‌اند تا اینکه موردپسند باشند. آشنایان ما توقعات قابل‌فهمی دارند، آگاه‌ساختن آن‌ها به اینکه دوستان‌شان باید رفتار عادی و به‌هنجاری داشته باشند عاقلانه نیست.

همچنین، باید سطحی از ادب را رعایت کنیم؛ چراکه هیچ‌کس جذابیت ویژه‌ای در خشم، وسواس فکری، رفتارهای عجیب و غریب یا کج‌خلقی نمی‌یابد. نمی‌توانیم بدرفتاری کنیم یا حرف‌های بیهوده بزنیم. اصلاح ریشه‌ای خود حقیقی‌مان، بهایی است که باید برای خوش‌مشرب‌بودن پردازیم.

همچنین ناچاریم بپذیریم که بخش مهمی از کیستی ما به‌آسانی